

حق مادر برای قیمومیت فرزند

عکس: UNICEF Ukraine



محمد اولیایی فرد

خانه امن: گفته می شود بهشت زیر پای مادران است ولی همین مادری که بهشت زیر پای او است در عالم واقع هیچ سهمی از سرپرستی و اداره امور مالی و حقوقی اولاد خود ندارد .

در واقع مادران فقط مسئول نگهداری و مراقبت از فرزندان هستند که از آن به عنوان حضانت یاد می شود ، سرپرستی اولاد صغیر اما به عهده پدر و جد پدری است که بعنوان ولایت قهری در قانون پیش بینی شده است ماده 1180 قانون مدنی در این خصوص می گوید: "طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود است و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد " بنابر این هریک از پدر و جدپدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند.

پدر و جد پدری به حکم سرپرستی و ولایت قهری بر اولاد صغیر اداره همه امور مهم خصوصا اداره امور مالی و حقوقی اولاد صغیر را بر عهده دارند.

ماده 1183 در این خصوص می گوید: "در همه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه ولی نماینده قانونی او است " اما اداره اموال اولاد صغیر برای پدر یا جد پدری امر مطلق نیست زیرا هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را نکند و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی علیه شود به تقاضای یکی از اقارب وی از جمله مادر و یا به درخواست رئیس حوزه قضائی پس از اثبات ، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می کند .

همچنین در مواردی که برای عدم امانت ولی قهری نسبت به دارائی طفل امارات قویه موجود باشد مدعی العموم مکلف است از محکمه ابتدائی رسیدگی بعملیات او را بخواهد ، دادگاه در این مورد رسیدگی کرده در صورتی که عدم امانت او معلوم شود ولی عزل و به حکم محکمه قیم تعیین می شود در صورتی که طفل هم پدر و هم جدپدری داشته باشد و یکی از آنها محجور یا بعلتی ممنوع از تصرف در اموال مولی علیه شود ولایت قانونی او ساقط می شود .

البته هرگاه ولی قهری محجور شود مدعی العموم مکلف است مطابق مقررات راجعه به تعیین قیم قیمی برای طفل معین کند ولی اگر ولی قهری به واسطه کبر سن و یا بیماری و امثال آن قادر به اداره اموال مولی علیه نباشد و شخصی را هم برای این امر تعیین نکند به حکم قانون فردی به عنوان امین به ولی قهری منضم می شود .

همچنین در صورت غیبت یا حبس ولی قهری به حکم محکمه امین موقتا اداره امور مالی صغیر را به عهده می گیرد.

بنابراین مادر هیچگاه ولی قهری محسوب نمی شود و به این حکم هیچگاه سرپرستی فرزند صغیر خود را به عهده نخواهد داشت اما در صورت نبود ولی خاص (پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده می شود) یعنی با فوت شوهر یا عدم صلاحیت وی و عدم جد پدری به دلیل مرگ یا سایر مغاندیر قانونی و عدم تعیین وصی برای سرپرستی اولاد صغیر، مادر در صورت صلاحیت به حکم محکمه در قامت قیم سرپرستی و در نتیجه اداره اموال فرزند صغیر خود را به عهده خواهد داشت .

قیم در واقع همان سرپرست قانونی است که ولی قهری محسوب نمی شود ولی به حکم دادگاه اختیارات ولی قهری را در خصوص سرپرستی طفل صغیر را پیدا میکند،

مادر برای قیومیت اولاد البته محدودیت هایی دارد ماده 1251 قانون مدنی در این خصوص می گوید: " هرگاه زن بی شوهری ولو مادر مولی علیه که به سمت قیمومت معین شده است اختیار شوهر کند باید مراتب را در ظرف یکماه از تاریخ انعقاد نکاح به دادستان حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد.

در این صورت دادستان یا نماینده او می تواند با رعایت وضعیت جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید و یا ضم ناظر کند. البته طبق ماده 1252 همین قانون اگر قیم ازدواج خود را در مدت مقرر به مدعی العموم یا نماینده او اطلاع ندهد مدعی العموم می تواند تقاضای عزل او را بکند.

البته جدا از این محدودیت های اختصاصی برای قیومیت زنان برای صلاحیت قیم شرایط خاصی در قانون پیش بینی شده است ماده 1231 قانون مدنی در این خصوص می گوید: "اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند - 1 کسانی که خودتحت ولایت یا قیمومت هستند.

- 2 کسانی که بعثت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل بموجب حکم قطعی محکوم شده باشند - سرقت ، خیانت در امانت ، کلاهبرداری ، اختلاس ، هتک ناموس ، یا منافیات عفت ، جنحه نسبت به اطفال ، ورشکستگی به تقصیر.

- 3 کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است .

- 4 کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند.

- 5 کسی که خود یا اقرباء طبقه اول او دعوا ئیبر محجور داشته باشد.

طبق قانون هریک از ابوبین مکلف است در مواردی که باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.

در صورت نبودن هیچ یک از ابوبین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل بعهدہ اقبائی است که با شخص محتاج قیم در یکجا زندگی میکند و در غیر اینصورت تکلیف برعهده دادستان خواهد بود، به همین جهت مادرحتی اگر تمایلی به پذیرفتن قیومت نداشته باشد مکلف است طبق قانون وضعیت اولاد صغیر خود را برای انجام اقدامات لازم جهت تعیین قیم به دادستان اطلاع دهد.

در این خصوص بر اساس قانون با داشتن صلاحیت برای قیمومت ، اقرباء محجور مقدم بر سایرین خواهند بود. به همین جهت خویشاوندان اولاد صغیر خصوصا مادر اولاد در صورتی که ازدواج مجدد نکرده باشد برای قیومیت بر سایر افراد رجحان دارد ، بنابراین مادر ضمن اعلام تقاضای تعیین قیم به داستان در صورتی که خود مایل به قیومیت اولاد باشد تقاضای قیومیت خود را به دادگاه ارائه می دهد ، دادگاه در این خصوص توسط مراجع انتظامی از طریق تحقیقات محلی و یا سایر طرق دیگر صلاحیت مادر را برای قیمومت بررسی می کند و در صورت احراز صلاحیت ، قیومیت مادر را می پذیرد.

اما باید توجه داشت اختیارات قیم در اداره اموال مولی علیه بی حد و حصر نیست قیم می تواند با رعایت غبطه و مصلحت مولی علیه در اموال منقول تحت قیمومیت دخل و تصرف داشته باشد، ولی نسبت به اموال غیر منقول باید با اجازه دادستان در آن دخل و تصرف کند همچنین قیم برای برخی از معاملاتی از سوی مولی علیه خود باید اجازه بگیرد و برخی از آنها نیاز به اجازه ندارد، فروش ، رهن ، صلح اموال غیر منقول ، وام و معاملاتی که منجر به مدیون گردیدن قیم به مولی علیه گردد باید با اجازه دادستان باشد.

البته انجام برخی از معاملات هم از سوی قیم ممنوع است مانند معامله قیم با مولی علیه در صورتی که موجب انتقال مال بین آنها شود علاوه بر اینها قیم نمی تواند از اموال مولی علیه مالی هبه کند.

مراقبت از مولی علیه و پرداخت هزینه های زندگی او اعم از هزینه درمانی و بهداشتی ، فروش اموال ضایع شدنی و استفاده از وجوه آن برای امور مولی علیه ، محافظت از اسناد و اشیاء قیمتی مولی علیه و نگهداری از وجوه نقد او در بانک ها ، ارائه حساب تصدی سالیانه به دادستان و حساب تصدی کلی به مولی علیه پس از رشد و یا رفع حجر و صورت برداری از همه اموال جهت ارائه به دادستان قبل از مداخله در امور مالی مولی علیه از اعم وظایف قیم است که البته می تواند به جهت انجام این وظایف از محل دارایی مولی علیه تقاضای اجرت کند . ملاک تعیین اجرت برای قیم کیفیت کار ، وضعیت محلی اقامتگاه صغیر و میزان درآمد او است ، قابل توجه است برای حفظ حقوق مولی علیه دادستان می تواند برای قیم یک یا چند ناظر معین کند.

قیومیت اما برای مادر و یا سایر افراد دیگر مطلق نیست ماده 1248 قانون مدنی در این خصوص بیان داشته " در موارد ذیل قیم معزول می شود - 1: اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود - 2 اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه های ذیل شده و به موجب حکم قطعی محکوم شود : سرقت ، خیانت در امانت ، کلاهبرداری ، اختلاس ، هتک ناموس ، منافیات عفت ، جنحه نسبت به اطفال ، ورشکستگی به تقصیر یا تقلب 3 - اگر قیم به علتی غیر از علل فوق محکوم به حبس شود و بدین جهت

نتواند امور مالی مولی علیه را اداره کند 4 - اگر قیّم ورشکسته اعلان شود 5 - اگر عدم لیاقت یا توانایی قیّم در اداره اموال مولی علیه معلوم شود 6 - در مورد مواد 1239، 1243، 1244 با تقاضای مدعی العموم . همچنین طبق قانون اگر قیّم مجنون یا فاقد رشد شود و یا حساب زمان تصدی خود را ظرف یکماه از مطالبه دادستان ارائه نکند منعزل می شود.